

## کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی؛ از چیستی و چرایی تا چگونگی تحقق و فعالیت

محمدقاسم تنگستانی\*

### چکیده

نظام آموزش رسمی حقوق در دانشگاه‌های متعددی از تعداد قابل توجهی از کشورها، بیش از سه دهه است که با توسعه نسبتاً پرشتاب نهادهایی تحت عنوان «کلینیک حقوقی» مواجه شده است. نهاد مذکور با ایفای کارکردهای دوگانه آموزشی و خدماتی/اجتماعی، یک تأسیس خاص در دانشکده‌های حقوق محسوب می‌شود. در کشور ما نیز ایده فوق با الگوهای مختلفی از یک دهه قبل در تعدادی از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی کشور طراحی و اجرا شده است. با عنایت به توسعه نهادهای مذکور طی سالیان اخیر و ضرورت تنظیم چهارچوب‌های حقوقی لازم جهت تهیه و تصویب ضوابط و مقررات مربوط به ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی، پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی مفهومی ایده فوق، کارکردها و مزایای آن، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چالش‌ها و الزامات حقوقی و فراحقوقی ایجاد کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی در ایران کدامند؟ بر اساس یافته‌های این پژوهش، ایجاد کارآمد نهاد مذکور در ایران بدون رفع چالش‌های متعدد مالی، اداری و آموزشی مربوط امکان‌پذیر نخواهد بود. تأکید خاص این پژوهش بر ضرورت اتخاذ راهکارها و تمهیدات لازم جهت تأمین منابع مالی کافی مورد نیاز برای ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی، تصویب اسناد حقوقی مربوط توسط مراجع ذیصلاح و طراحی نظام آموزشی مناسب برای اجرای کامل و مؤثر ایده فوق است. در این پژوهش سعی شده ضمن تبیین چالش‌های فراروی ایجاد نهاد مذکور، راهکارهای رفع موارد مذکور در ایران پیشنهاد گردد.

**واژگان کلیدی:** دسترسی به عدالت، مهارت حقوقی، دانشکده حقوق، آموزش کلینیکی حقوق، توانمندسازی حقوقی

## مقدمه

کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی<sup>۱</sup> (وابسته به دانشکده حقوق) با هدف آموزش مهارت حقوقی به دانشجویان رشته حقوق و نیز فراهم کردن دسترسی به عدالت<sup>۲</sup> برای اشخاص و گروه‌های نیازمند به طور موفقیت‌آمیزی در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته‌اند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳: ۱۳۹). ایده فوق بیش از یک دهه است که با اقتباس نسبتاً ناقص از نمونه‌های مشابه در سایر کشورها، توسط برخی دانشگاه‌ها در ایران مورد توجه قرار گرفته و در این راستا کلینیک‌های حقوقی متعددی نیز ایجاد شده‌اند؛ بدون اینکه الزامات شکل‌گیری نهادهای مذکور به طور کامل در کشور ایجاد شده باشد.

ایجاد نهاد مذکور با دو کارکرد مهم آموزشی و خدماتی/اجتماعی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است. در خصوص کارکرد نخست، لزوم تحول نظام آموزش حقوق از حالت نظری صرف به وضعیت تلفیقی (نظری- عملی) اول‌بار در دهه ۱۹۳۰ میلادی در آمریکا مطرح شد. ایده این بود که همان‌گونه که در کنار دانشکده‌های علوم پزشکی، درمانگاه‌ها (کلینیک‌ها) و بیمارستان‌هایی وجود دارند که دانشجویان پس از فراگیری دانش نظری در برخی دروس، با ورود به آن‌ها در عمل مهارت لازم را نیز کسب می‌کنند، دانشکده‌های حقوق هم نیازمند وجود مراکز نسبتاً مشابهی هستند که از طریق ارائه آموزش‌های عملی (مهارتی)، دانشجویان امروز را آماده ورود به حرفه‌های تخصصی مربوط نمایند. به عبارتی، ایده کلینیک‌های حقوقی، فاصله (گپ) میان نظریه (تنوری) و عمل را پر می‌کنند (Lewis, 2000: 19). بر این اساس، مبحث «آموزش کلینیکی حقوق»،<sup>۳</sup> تحولاتی را در نظام آموزش حقوق موجب گردید؛ امری که البته تاکنون وارد نظام آموزش عالی ایران در رشته حقوق نشده است. در خصوص کارکرد دوم، ایجاد نهاد مذکور گام مهمی در راستای ارتقای سطح دسترسی شهروندان به خصوص اقشار نیازمند به کمک حقوقی<sup>۴</sup> رایگان به‌شمار می‌رود که این امر، یکی از شاخص‌های نظام قضایی عادلانه محسوب می‌شود.

پرسش‌های مورد نظر از انجام پژوهش پیش‌رو به شرح زیر است: به‌رغم کارکردهای موجه و قابل دفاع و مزایای تأسیس کلینیک‌های حقوقی، ایجاد نهاد مذکور در دانشگاه‌های ایران با چه چالش‌هایی مواجه است؟ چه راهکارهایی برای مرتفع نمودن چالش‌های مذکور قابل ارائه است؟ به‌طور کلی، الزامات حقوقی و فراحقوقی تشکیل کلینیک‌های حقوقی در ایران کدامند؟

1. University Law Clinics
2. Access to Justice
3. Clinical Legal Education
4. Legal Aid

فرضیات این پژوهش نیز به شرح زیر قابل صورت‌بندی است: ایجاد کلینیک‌های حقوقی در دانشگاه‌های ایران با چالش‌های متعدد مالی، ساختاری و آموزشی مواجه است. طبعاً پیش از هر اقدامی باید راهکارها و تدابیر حقوقی و مدیریتی لازم برای رفع موانع مذکور اتخاذ شود. تهیه اسناد سیاست‌گذار و توانمندسازی دانشکده‌های حقوق برای ایجاد نهاد مذکور (از لحاظ بودجه‌ای، مالی، آموزشی و به‌طور کلی، تقویت جنبه‌های انگیزشی) از جمله الزامات تشکیل کلینیک‌های حقوقی در ایران است. حسب بررسی صورت‌گرفته، تاکنون پژوهش مستقلی (به زبان فارسی) برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق انجام نشده است. هرچند داده‌های موجود در دو کتاب که راجع به کلینیک‌های حقوقی ترجمه شده است (به شرح مذکور در منابع فارسی این مقاله)، در قسمت‌های مختلف این پژوهش مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز بر وضعیت کشورمان و تأکید بر چالش‌ها و الزامات مربوط به منظور ایجاد نهاد مذکور به‌نحو کارآمد است.

در این پژوهش در قالب چهار بند ابتدا به مفهوم‌شناسی و واکاوی پیشینه تشکیل کلینیک‌های حقوقی می‌پردازیم، سپس مزایا، کارکردها و چالش‌های ایجاد نهاد مذکور را بررسی نموده و در انتها، فرایندها و الزامات حقوقی و فراحقوقی ایجاد کلینیک‌های حقوقی در دانشگاه‌های ایران را تبیین خواهیم کرد.

### ۱. مفهوم و پیشینه

در این بند، نخست به بررسی مفهومی کلینیک‌های حقوقی می‌پردازیم، سپس پیشینه شکل‌گیری آن‌ها در ایران را تبیین خواهیم کرد.

#### ۱-۱. مفهوم‌شناسی

اولین نکته‌ای که عبارت «کلینیک حقوقی» به ذهن متبادر می‌کند، اشتراک لفظی آن با کلینیک‌های پزشکی است.<sup>۱</sup> در عرف رایج مردم ما هم «کلینیک» نوعاً ناظر بر درمانگاه است. این اشتراک لفظی چندان بی‌دلیل نیز نمی‌باشد. توضیح آنکه توسعه آموزش کلینیکی حقوق در آمریکا تحت تأثیر تجربه آموزش پزشکی در دانشگاه‌های علوم پزشکی بوده و این امر، در نام‌گذاری «کلینیک»‌های حقوقی مؤثر بوده است (Zielinska et al, 2005: 186).

قابل توجه آنکه به هنگام نام‌گذاری کلینیک حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه ادوارد موندلن

۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «درمانگاه» را به‌عنوان معادل فارسی واژه «کلینیک» به تصویب رسانده که منظور از آن، ساختمان یا بخشی در بیمارستان یا مرکز بهداشتی - درمانی است که به درمان بیماران یا مراقبت پزشکی از بیماران سرپایی اختصاص داشته باشد.

موزامبیک نیز این موضوع مطرح شد که عبارت «کلینیک» به نوعی دلالت ضمنی بر مدلول پزشکی دارد و بهتر است نام دیگری انتخاب شود. از جمله اصطلاحات جایگزینی که پیشنهاد شد، عبارت «Legal Helping Hand» بود که در نهایت عنوان «کلینیک»، نهایی شد (جان مک کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۱۲۷). در حال حاضر عبارت مذکور در کلیه کشورهای که اقدام به تشکیل آن نموده‌اند، کاملاً پذیرفته شده تلقی می‌شود و دلالت بر نهادی می‌کند که با رویکرد دوگانه آموزشی (برای دانشجویان) و خدماتی/اجتماعی (برای اقشار نیازمند جهت دریافت کمک حقوقی)، سعی در ارتقای سطح مهارت عملی دانشجویان رشته حقوق و ارائه خدمات حقوقی رایگان به نیازمندان به صورت هم‌زمان دارد. شایان ذکر است کلینیک‌های حقوقی از سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات رایگان برای نیازمندان، متمایز هستند. سازمان‌های اخیر نوعاً در قالب سمن‌ها<sup>۱</sup> تشکیل می‌شوند، صرفاً ارائه‌کننده خدمات رایگان به اقشار نیازمند هستند و فاقد کارکرد آموزشی (در قالب نظام آموزش رسمی حقوق) می‌باشند. همچنین کلینیک حقوقی، کارکرد متفاوتی با مؤسسات حقوقی (ارائه‌کننده خدمات حقوقی) دارد؛ زیرا اولاً کلینیک‌های حقوقی دارای کارکرد آموزشی نیز می‌باشند و ثانیاً خدماتی که توسط نهادهای مذکور ارائه می‌گردد، رایگان است. در واقع، کلینیک‌های حقوقی اولاً یک نهاد انتفاعی با کارکرد صرفاً حرفه‌ای (مشاوره و وکالت دادگستری) نیستند. باری، کلینیک‌های حقوقی یک تأسیس خاص برای اهداف خاص مورد نظر طراحان آن می‌باشند که در ادامه درخصوص کارکردهای آن‌ها توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

## ۱-۲. پیشینه شکل‌گیری

ایده کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی اولین بار در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی با ایجاد «شورای آموزش حقوق در راستای مسئولیت حرفه‌ای» در آمریکا مطرح شد. کلینیک‌های حقوقی هم‌اکنون در بیش از ۶۰ کشور در سراسر جهان در تمامی قاره‌ها ایجاد شده و جزء جدایی‌ناپذیری از دانشکده‌های حقوق و نظام آموزش عالی رشته حقوق در دوره کارشناسی در کشورهای فوق‌گرفته است. به لحاظ ساختاری کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی جزء اصلی دانشکده حقوق در هر دانشگاهی محسوب می‌شوند (جان مک کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۲۵، ۴۲، ۴۳ و ۱۳۸). توسعه سریع ایجاد کلینیک‌های حقوقی در کشورهای مختلف به علت منافع دوجانبه این نهاد، هم برای دانشجویان رشته حقوق و هم برای جامعه است. دانشکده‌های حقوق ایده فوق را به عنوان جزئی از برنامه رسمی آموزش حقوق به دانشجویان در نظر گرفته‌اند و هر ساله سمینارها و

کنفرانس‌هایی برای بهبود نظام آموزش کلینیکی حقوق برگزار می‌کنند (Koci, undated: 156). ایده آموزش کلینیکی حقوق ابتدا به صورت آزمایشی اجرا شد و بعد از حصول اطمینان از کارکرد صحیح آن، به صورت رسمی وارد نظام آموزش حقوق گردید. قابل توجه آنکه اقبال گسترده به ایده فوق ابتدا در اروپای شرقی و مرکزی و سپس در اروپای غربی بود. یکی از علل این امر، هم‌زمانی طرح ایده فوق با افول کمونیسم، ضرورت تغییر نظام اقتصادی به سمت اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد (به علت تأثیرات این دو عامل در افزایش مراجعات مردم به دادگستری و نبود توانایی مالی کافی برای برخی اشخاص جهت اخذ وکیل و مشاور حقوقی) و ضرورت تنفس هوای تازه در فضای سنتی آموزش حقوق در آن دوره بیان شده است (Aksamovic, & Genty, 2014: 429-430). البته در حال حاضر کلینیک‌های حقوقی در سراسر اروپا تشکیل شده و حتی «شبکه اروپایی آموزش کلینیکی حقوق»<sup>۱</sup> نیز ایجاد شده است.

لازم به ذکر است مدیران و اعضای اصلی (راهنما - ناظر) این کلینیک‌ها را اعضای هیئت علمی رشته‌های مختلف حقوقی تشکیل می‌دهند. همچنین از ظرفیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز در عمل استفاده می‌شود. البته ارائه‌کننده اصلی خدمات حقوقی در کلینیک‌ها، دانشجویان می‌باشند و اساتید صرفاً نقش ناظر و هدایت‌گر دارند. گرچه این واحد توسط اعضای دانشکده‌های حقوق، مدیریت می‌شود، اما از کلینیک حقوقی به عنوان نهاد مردمی - دانشگاهی تعبیر می‌شود. بدیهی است انجام وظایف مورد انتظار از کلینیک‌ها، با تبعیت از مقررات محدودیت‌دار حاکم بر دستگاه‌های دولتی از جمله دانشگاه‌ها، سازگاری ندارد. فلذا وجود انعطاف در قواعد حاکم بر اداره کلینیک‌های حقوقی، اجتناب‌ناپذیر است.

هم‌اکنون در بیش از هفت دانشگاه ایران کلینیک حقوقی شکل گرفته است. دانشگاه مفید قم، در سال ۱۳۸۶ نخستین کلینیک حقوقی دانشگاهی را ایجاد کرد. پس از آن، کلینیک حقوق خانواده و کودک دانشگاه شهید بهشتی، کلینیک حقوقی دانشگاه فردوسی مشهد، کلینیک حقوقی دانشگاه طلوع مهر قم، کلینیک حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، کلینیک حقوقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد (در سال ۱۳۹۸) و اخیراً کلینیک حقوقی دانشگاه علامه طباطبائی (در سال ۱۴۰۰) تشکیل شده‌اند.

الگوی ارائه خدمات مشاوره حقوقی رایگان، در کلینیک حقوقی دانشگاه مفید قم<sup>۲</sup> قابل ملاحظه است. کلینیک مذکور تحت نظارت مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه فوق، تأسیس شد. این

1. The European Network of Clinical Legal Education (ENCLE)

2. <http://www.mofidu.ac.ir/departments/law/law-clinics/>

کلینیک، یک نهاد مردمی - دانشگاهی است که هدف از تأسیس آن ارائه خدمات حقوقی رایگان به محرومین جامعه و مشاوره دادن به آسیب‌دیدگان اجتماعی با نظر به بازپروری آنان و نیز سرعت بخشیدن به حل منازعات از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و همچنین افزایش آگاهی مردم در مورد قوانین در جهت نهادینه کردن حقوق شهروندی است. این کلینیک علاوه بر خدمات عام‌المنفعه در بعد آموزشی نیز می‌کوشد تا دانش و تجربه دانشجویان را افزایش دهد، مهارت‌های حقوقی لازم را به آن‌ها بیاموزاند و با بسترسازی مناسب، روحیه نوع‌دوستی و مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه را در دانشجویان پرورش دهد.

الگوی ارائه خدمات حقوقی غیررایگان نیز در کلینیک دانشگاه فردوسی مشهد<sup>۱</sup> قابل‌ردیابی است. کاهش وابستگی دانشگاه به بودجه دولتی و کسب استقلال مالی، اشتغال‌زایی و تبدیل دانشگاه به یک مرکز کارآفرین (دانشگاه نسل سوم)، افزایش سطح رفاهی اعضای دانشگاه، از جمله اهداف ایجاد کلینیک حقوقی فوق‌مחسوب می‌شوند. منظور از «دانشگاه نسل سوم»، مؤسسه‌ای خودمولد بوده که برای کسب منابعش، در روند گذار از «سازمان مبتنی بر هدایا و وابسته به نهادهای دیگر» است و دانش‌آموختگانی را به جامعه تحویل می‌دهد که دانش را در کنار پژوهش‌های کاربردی به خدمت گرفته و با نوآوری، کار می‌آفرینند. مهم‌ترین هدف کلینیک حقوقی دانشگاه فردوسی مشهد، ارائه خدمات حقوقی و علمی بهینه و با کیفیت به جامعه دانشگاهی و برون‌دانشگاهی اعم از بخش دولتی و خصوصی و انجام وکالت در کلیه امور همچنین پذیرش و انجام داوری داخلی و بین‌المللی است.

نخستین کلینیک تخصصی حقوقی در ایران، کلینیک حقوقی زنان و کودکان دانشگاه شهید بهشتی<sup>۲</sup> است که در اسفند سال ۱۳۸۵ به همت کرسی حقوق بشر و پژوهشکده خانواده این دانشگاه تأسیس شد. ارائه خدمات حقوقی رایگان به زنان و کودکان به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر توسط وکلا و مشاوران حقوقی از مهم‌ترین اهداف تشکیل آن است.

از میان الگوهای فوق‌کلینیک حقوقی دانشگاه مفید قم با الگوی کلینیک حقوقی شناخته‌شده در سطح جهانی انطباق بیشتری دارد؛ زیرا هدف اصلی ایجاد نهاد، انجام فعالیت حرفه‌ای حقوقی به‌مثابه یک مؤسسه حقوقی نیست. ارائه مشاوره حقوقی رایگان و تدارک نظام آموزش مهارت‌محور به دانشجویان، دو شرط اصلی ایجاد کلینیک‌های حقوقی است.

در نظام حقوقی ایران سند یا اسنادی در خصوص ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی به تصویب

1. <https://lawclinic.um.ac.ir/index.php/fa/2017-05-27-11-15-30.html>

2. [https://fea.um.ac.ir/index.php?option=com\\_content&view=article&id=151:2016-07-10-05-01-51&catid=87&Itemid=601&lang=fa](https://fea.um.ac.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=151:2016-07-10-05-01-51&catid=87&Itemid=601&lang=fa)

3. <https://sbu.ac.ir/lists/news/dispsform.aspx?id=13539>

نرسیده است. صرفاً حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۵۰ آیین‌نامه اجرایی ماده (۶) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ هیئت وزیران) قابل ذکر است که بر اساس آن، به منظور اجرای تکالیف مقرر در آیین‌نامه فوق درخصوص آموزش و ترویج حقوق کودک و مشاوره و معاضدت حقوقی، مرجع ملی حقوق کودک (وزارت دادگستری) از طریق ایجاد مجموعه خدمات (کلینیک‌های) حقوق کودک با هماهنگی سازمان بهزیستی اقدام می‌نماید. شایان ذکر است اخیراً وزارت دادگستری اقداماتی را برای ایجاد برخی کلینیک‌های حقوق کودک انجام داده است.

## ۲. مزایا و کارکردها

### ۲-۱. آموزش مهارت حقوقی

درخصوص کارکرد نخست حسب بررسی سرفصل‌های مصوب<sup>۱</sup> رشته حقوق در دوره کارشناسی و گرایش‌های تخصصی آن در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) اکثریت قریب به اتفاق واحدهای آموزشی این رشته، جنبه نظری دارد. البته در دروس اختیاری دوره کارشناسی حقوق، یک واحد به نام «رویه قضایی» پیش‌بینی شده است. این در حالی است که رشته‌های دانشگاهی ذیل گروه علوم تجربی (مواردی نظیر پزشکی، دندان‌پزشکی و...) دارای تلفیقی از واحدهای نظری و عملی هستند تا بدین طریق، صرفاً به آموزش نظری اکتفا نشود. در واقع، آموزش عملی جزئی از فرایند آموزش آکادمیک در رشته‌های مزبور است.

رشته حقوق به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با جامعه دارد. دانش آموخته این رشته نیز در نهایت حرفه‌ای را برخواهد گزید که با رفع مشکلات و امور حقوقی در عمل سروکار دارد؛ حرفه‌هایی نظیر قضاوت، وکالت، سردفتری اسناد رسمی، کارشناسی حقوقی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و...؛ امری که اقتضا می‌کند دانشجویان علاوه بر فراگیری دانش نظری، به لحاظ عملی نیز مهیای ورود به حرفه مورد نظر شوند. اهمیت فراگیری مهارت‌های عملی در برخی موارد موجب شده که به لزوم طی دوره کارآموزی که غالباً جنبه عملی دارد، تصریح شود (نظیر حرفه وکالت و قضاوت دادگستری).

یکی از مشکلات دانش‌آموختگان رشته حقوق در کشور ما در وضعیت فعلی، نداشتن مهارت عملی لازم برای ورود به حرفه مربوط به علت تمرکز آموزش دانشگاهی بر جنبه‌های نظری صرف و عدم فراگیری مهارت حقوقی لازم است. وضعیتی که موجب شده است دستگاه‌های دولتی با کمبود

۱. برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف دانشگاهی در ایران به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌رسد.

شدید «کارشناس» حقوقی (به معنای واقعی کلمه) مواجه شوند. البته مورد اخیر علاوه بر ضعف در نظام آموزش حقوق، علل دیگری نیز دارد (از جمله ضعف در نظام جذب و نگهداری کارشناسان حقوق در دستگاه‌های دولتی) که بررسی آن خارج از موضوع اصلی این نوشتار است. البته وضعیت نامناسب آموزش حقوق، مختص کشور ما نیست. برای مثال، از نظر پروفیسور هایما، عمده دانشجویان رشته حقوق فاقد آگاهی و مهارت لازم برای انجام حرفه‌ای هستند که پس از دانش‌آموختگی بدان خواهند پرداخت (Bradway, 1931: 37).

در پاسخ به مشکل فوق، آموزش کلینیکی حقوق، یادگیری تجربی است که در آن دانشجویان مهارت‌های عملی و تجربه ارائه خدمات حقوقی را در فضایی همراه با عدالت اجتماعی به دست می‌آورند. آن‌ها در تعامل با یکدیگر و موکلان سعی در شناسایی مسائل حقوقی و حل آن دارند و در این فرایند تابع نظارت‌های اساتید خود هستند. در حالی که آموزش سنتی حقوق صرفاً مبتنی بر انتقال دانش است، دانشجویان در کلینیک حقوقی مهارت‌های لازم را برای انجام وظایف شغلی و مسئولیت اجتماعی خود فرامی‌گیرند (جان مک‌کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۳۲). مهم‌ترین مهارت‌های حقوقی که در کلینیک‌های حقوقی آموخته می‌شود، عبارتند از: توانایی حل مسئله، تحلیل و استدلال حقوقی، شناسایی و جست‌وجو در مورد مسائل حقوقی، تحقیق و بررسی، توانایی برقراری ارتباط، مشاوره‌دادن، مذاکره‌کردن، کسب دانش آیین دادرسی، مهارت‌های مربوط به استفاده از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات<sup>۱</sup> و سازماندهی و مدیریت حرفه (Zielinska et al, 2005: 188).

آموزش کلینیکی حقوقی برای دستگاه قضایی نیز دارای مزایایی است. توضیح آنکه پرونده‌ای که اسناد و مدارک آن با دقت توسط دانشجویان حقوق تهیه و بررسی شده است، برخلاف سایر پرونده‌هایی که افراد مستقیماً در مراجع قضایی مطرح می‌کنند، به‌نحو مناسب‌تری مهیای رسیدگی است و این امر بر مدت زمان و کیفیت رسیدگی‌های قضایی مؤثر است. همچنین باید بر مزایای آموزش فوق برای دستگاه‌های دولتی از حیث تأمین نیروی انسانی آموزش‌دیده در سازمان حقوقی دولت (در معنای عام آن) تأکید کرد.

از حیث مقررات آموزشی، چنانچه برنامه آموزش کلینیکی حقوق در برنامه‌های درسی ادغام شده باشد، فعالیت‌های دانشجویان همانند سایر دروس مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار می‌گیرد. این برنامه در یک تا دو ترم و معمولاً در سال آخر دوره تحصیلی اجرا می‌شود و شامل حضور دانشجویان در سخنرانی‌ها و سمینارهای تعاملی و کلاس‌های عملی می‌شود. تأکید این برنامه بر یادگیری مهارتی

1. Alternative Dispute Resolution (ADR)



است. گفتنی است روش آموزش کلینیکی، تعاملی است. بر اساس مطالعات صورت گرفته درصد یادآوری مطالب در روش‌های سخنرانی، مطالعه توسط خود دانشجویان، استفاده از ابزارهای صوتی و تصویری در فرایند آموزش، مباحثه در گروه‌های کوچک، نمایش و تمرین و تدریس به دیگران، از ۵ تا ۹۰ درصد در نوسان است. به هر میزان که روش تدریس تعاملی‌تر شود، درصد یادگیری و یادآوری افزون خواهد شد (جان مک کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۳۳، ۳۴ و ۳۹).

در پایان این قسمت باید تأکید شود که آموزش عملی قطعاً جایگزینی برای آموزش نظری نیست. بلکه این دو، مکمل یکدیگر و در راستای هدف واحد به کار گرفته می‌شوند. به لحاظ زمانی اما، تقدم با آموزش نظری است. بر همین اساس، آموزش کلینیکی در ترم‌های پایانی دوره تحصیلی ارائه می‌گردد (Plessis, 2015: 2782).

## ۲-۲. ارائه خدمات حقوقی به نیازمندان

با تلقی دادگستری به مثابه یکی از خدمات عمومی و طراحی سازوکارهای مختلفی برای دسترسی رایگان به خدمات حقوقی و قضایی موسوم به نظام معاضدت قضایی (حبیبی درگاه، ۱۳۹۹: ۵۷-۵۶)، ارائه خدمات حقوقی به جامعه با فراهم کردن یا تسهیل دسترسی به عدالت<sup>۱</sup> به خصوص برای اقشار نیازمند و سایر اشخاص متقاضی، کارکرد دوم کلینیک‌های حقوقی تعیین شده است. نهادهای مذکور در این مقام، با اتخاذ هدف انسان‌دوستانه سعی در توانمندسازی<sup>۲</sup> حقوقی اشخاصی دارند که به لحاظ مالی، توانایی اخذ وکیل یا مشاور حقوقی را ندارند. عمده تمرکز کلینیک‌های حقوقی در کشورهای مختلف بر اشخاص با درآمد کم و اشخاصی است که به هر دلیل به خدمات حقوقی دسترسی ندارند (Fahy & van Echoud, 2015: 3).

خدمات حقوقی قابل ارائه در کلینیک‌های حقوقی صرفاً به موضوعات مربوط به نظام عدالت کیفری محدود نمی‌شود. بلکه به کلیه حوزه‌هایی که ارائه خدمات حقوقی در آن موضوع ضرورت دارد، توسعه یافته است؛ حوزه‌هایی نظیر حقوق مصرف‌کننده، حقوق کودک، حقوق تجارت، حقوق خانواده و غیره (European Union, 2008: 8). تعیین مأموریت هر کلینیک تابع عوامل متعددی نظیر گروه‌های آموزشی دانشکده حقوق ذی‌ربط، تخصص اعضای هیئت عملی آن دانشکده، نیازهای آن

### 1. Access to justice

۲. به رغم تأکیدی که بر ضرورت بر نزدیک بودن زبان قانون به زبان عامه مردم و قابل فهم بودن آن می‌شود (خسروی و نوروزی، ۱۳۹۹: ۷۰-۶۹)، فهم تمامی ابعاد و ظرایف نظام حقوقی به دلیل پیچیدگی‌های آن، جز برای حقوق‌دانان رشته مربوط امکان‌پذیر نیست؛ امری که مراجعه به مشاور حقوقی یا وکیل را برای حل مشکلات حقوقی اجتناب‌ناپذیر کرده است.

منطقه و شرایط و اقتضائات زمانی است.

در خصوص اشخاص واجد صلاحیت برای ارائه خدمات حقوقی گفتنی است به طور سنتی صرفاً وکلای دادگستری اقدام به ارائه کمک حقوقی به اشخاص مربوط می نمودند، اما با ایجاد کلینیک‌های حقوقی، ارائه مشاوره حقوقی به اشخاص غیر وکیل نیز واگذار شده است. شایان ذکر است اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای<sup>۱</sup> متعددی در مورد حق بر دریافت کمک حقوقی به تصویب رسیده، لکن اولین سندی که تصریح به حق بر دریافت کمک حقوقی رایگان برای اشخاص متهم به جرایم کیفری نمود، جزء ۴ از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (UNODC, 2019: 1-6,75). یکی از دلایل توسعه نظام حقوقی حاکم بر ارائه کمک‌های حقوقی، انحصار وکالت دادگستری به وکلای دادگستری (دارای پروانه وکالت) است. با توجه به مبالغ قابل توجه حق الوکاله‌ها، بخش قابل توجهی از اقشار متوسط و نیز اقشار ضعیف قادر به اخذ وکیل نیستند (Kivalov, 2019: 183). البته در برخی نظام‌های حقوقی همچون آمریکا، دانشجویان رشته حقوق می‌توانند تحت نظارت وکیل سرپرست اقدام به وکالت از موکل خود نزد دادگاه نمایند. همچنین در آلمان از سال ۲۰۰۸ با اصلاح قانون خدمات حقوقی، شرایط ارائه خدمات حقوقی توسط غیروکلا مشخص شده است (European Union, 2008: 2).

همچنین مقررات نظام حقوقی مربوط در خصوص اجباری یا اختیاری بودن استفاده از وکیل دادگستری در پرونده‌ها، در ضرورت توسعه نظام ارائه خدمات حقوقی رایگان به نیازمندان، مؤثر است. برای مثال، بر اساس اصلاحیه سال ۲۰۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی کرواسی، اخذ وکیل در کلیه پرونده‌های حقوقی اجباری شد و این امر یکی از عوامل توسعه نظام دسترسی به عدالت در این کشور بوده است (Jelinic, 2017: 102).

بدیهی است فعالیت کلینیک‌ها مستلزم طراحی و اجرای نظام یا سامانه‌ای برای شناسایی و معرفی اشخاص دارای شرایط لازم جهت دریافت کمک حقوقی است. استفاده از بانک اطلاعاتی نهادهای حمایتی (در ایران: کمیته امداد امام خمینی<sup>(ه)</sup>)، سازمان بهزیستی کشور، نهادهای خیریه و سمن‌های فعال در حوزه اشخاص آسیب‌پذیر مالی و اجتماعی) می‌تواند دانشگاه‌ها را در این مسیر یاری کند. توضیح آنکه در صورت ارائه خدمات حقوقی رایگان برای کلیه اشخاص مراجعه‌کننده به کلینیک، به علت حجم زیاد مراجعات، ممکن است این نهاد از هدف اجتماعی مورد نظر از ایجاد

۱. از جمله در ماده ۴۷ منشور حق‌های اساسی اتحادیه اروپایی، به حق دریافت کمک حقوقی برای اشخاصی که توانایی کافی برای دسترسی به عدالت ندارند، تصریح شده است. نک: (European Union, 2008: 7).

آن دور بماند؛ ضمن اینکه افزایش بیش از حد حجم مراجعات، بر کیفیت آموزش کلینیکی حقوقی نیز اثرات منفی به دنبال خواهد داشت.

عمده گروه‌های هدف برای دریافت کمک حقوقی رایگان در کلینیک‌های حقوقی عبارتند از زنان، کودکان، پناهندگان، زندانیان و روستانشینان کم‌درآمد (Open Society Justice Initiative, 2009: 1,25). البته برخی کلینیک‌ها نیز اقدام به ارائه خدمات حقوقی رایگان به عموم مراجعه‌کنندگان (و نه صرفاً نیازمندان) می‌کنند (European Union, 2008: 2). با توجه به مجموع نکات مطرح شده در فوق، ارائه خدمات حقوقی به صورت گسترده و برای همه مراجعه‌کنندگان در خصوص کلینیک‌های حقوقی در ایران توصیه نمی‌شود.

در پایان این قسمت باید انواع خدمات حقوقی قابل ارائه در خصوص دعاوی در کلینیک‌های حقوقی را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد: الف) ارائه مشاوره حقوقی شفاهی، ب) ارائه خدمات حقوقی مکتوب (نظیر تکمیل فرم‌های دادخواست و شکوائیه، تنظیم لوائح دفاعیه، تکمیل اظهارنامه و اعتراض‌نامه و...)، پ) ارائه خدمات وکالت در دعاوی. البته خدمات فوق صرفاً ناظر بر دعاوی است و حوزه فعالیت کلینیک شامل سایر عرصه‌های حقوقی نظیر ارائه مشاوره در خصوص قراردادها و تنظیم پیش‌نویس آن، انجام داوری، میانجیگری و به‌طور کلی، به‌کارگیری روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات نیز می‌شود. بدیهی است در ابتدای تشکیل هر کلینیک حقوقی، قاعدتاً باید تمرکز بر ارائه خدمات نوع (الف) و در صورت وجود شرایط لازم، ارائه خدمات نوع (ب) باشد. توسعه حوزه عملکرد کلینیک علی‌القاعده باید به صورت تدریجی و بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده قبلی و با عنایت کافی به الزامات مربوط به اجرای هر مرحله از خدمات صورت پذیرد.

### ۳-۲. توسعه ارتباط با جامعه و صنعت

در میان دستگاه‌های دولتی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از مهم‌ترین دستگاه‌های هزینه‌بردار دولت محسوب می‌شوند. مشکلات مالی دولت‌ها در چند دهه اخیر، سیاست‌گذاران را بر آن داشته تا حد ممکن از وابستگی مراجع مذکور (به خصوص دانشگاه‌ها) از بودجه عمومی دولت بکاهند و زمینه‌های تبدیل دانشگاه‌ها به دستگاه‌های خودکفا را فراهم کنند (دانشگاه نسل سوم). البته باید اذعان داشت در هر حال امکان قطع کامل وابستگی بودجه‌ای دانشگاه‌های دولتی به منابع مالی دولت، متعسر به نظر می‌رسد.

گرچه آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها، موارد متعددی را به‌عنوان درآمد اختصاصی برای آن‌ها پیش‌بینی کرده، اما درآمدهای مذکور در عمل تکافوی هزینه‌های قابل توجه دانشگاه‌ها را که عمدتاً جزء هزینه‌های پرسنلی است، نمی‌دهد. توسعه ارتباط دانشگاه با صنعت، یکی از

سازوکارهایی است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است تا بدین طریق، دانشگاه، نیازهای صنایع را برآورده نماید و به این طریق، بخشی از هزینه‌های دانشگاه‌ها نیز تأمین شود. سازوکار فوق در مورد رشته‌های دانشگاهی فنی قابل استفاده است، اما در مورد رشته‌های علوم انسانی، موضوعاً قابل اعمال نیست. براین اساس، بحث از توسعه راه‌های ارتباطی میان دانشگاه با جامعه، مطرح گردیده است؛ امری که می‌تواند ضمن تحقق رسالت اجتماعی دانشگاه‌ها، عوایدی را نیز نصیب آن‌ها کند؛ امری که چندی پیش با طرح مباحثی همچون برداشتن دیوارهای دانشگاه‌ها مطرح گردید.

برقراری ارتباط دانشگاه با جامعه، در مورد دانشکده‌های حقوق (به‌طور خاص)، از جمله مستلزم ایجاد نهادهایی است که ضمن انطباق با هدف کلی دانشگاه‌ها در زمینه امور آموزشی و پژوهشی، بتوانند بخشی از نیازهای جامعه را مرتفع نمایند. به‌نظر می‌رسد ایده ایجاد کلینیک‌های حقوقی در صورت فراهم بودن مقدمات لازم برای ایجاد و فعالیت آن‌ها، بتواند ضمن رفع نیازهای جامعه (تحقق رسالت اجتماعی دانشگاه‌ها)، زمینه آموزش عملی حقوق به دانشجویان را فراهم نموده و در نهایت، در صورت توسعه فعالیت‌ها، اقدام به ارائه خدمات تخصصی حقوقی نظیر مشاوره حقوقی و وکالت دعوی (برای عموم)، داوری، میانجیگری، تنظیم قراردادهای، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای تخصصی در امور حقوقی، برگزاری دادگاه‌های شبیه‌سازی شده و مواردی از این دست نماید.

### ۳. چالش‌ها

چالش اصلی ایجاد کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی، فقدان منابع کافی مالی، اداری و انسانی است. سایر چالش‌ها و مشکلات کلینیک‌های دانشگاهی به‌صورت خلاصه و موجز به شرح زیر قابل ذکر است: حجم بالای مراجعات، استقبال سرد دانشکده‌های حقوق (متأثر از الگوی سنتی و نظری محور آموزش حقوق)، مقاومت کانون‌های وکلای دادگستری در مورد مشارکت افراد فاقد پروانه وکالت در امر مشاوره حقوقی با امعان نظر به اینکه ارائه کمک‌های رایگان حقوقی ممکن است بازار کار خدمات حرفه‌ای حقوقی را کساد کند، فقدان مقررات مربوط در زمینه اعطای پروانه کار محدود حقوقی به دانشجویان فعال در کلینیک‌ها، مشکلات مربوط به فعال نگه‌داشتن کلینیک در ایام تعطیلات دانشگاه و دوره‌های برگزاری امتحانات، عدم توانایی دانشجویان در زمینه انجام مصاحبه حقوقی، ضعف آن‌ها در ثبت دقیق اظهارات و انجام تحقیقات و نگارش مکاتبات مربوط، موقعیت نامناسب و عدم دسترسی آسان به کلینیک، ضعف در تبلیغات و اطلاع‌رسانی، ضعف در برقراری ارتباط با سازمان‌های مربوط و عدم وجود نظام نظارتی مناسب بر کلینیک‌ها و مقاومت دانشجویان در تغییر روش آموزش سنتی به روش تعاملی. با عنایت به رایگان بودن خدمات در عمده کلینیک‌ها، تعداد زیاد مراجعه‌کنندگان هم‌سطح کیفیت خدمات را کاهش می‌دهد و هم برای اعضای کلینیک و

مراجعه‌کنندگان مشکلاتی را ایجاد می‌کند؛ امری که در نهایت می‌تواند منجر به کاهش اعتبار کلینیک‌ها شود (جان مک‌کوئید میسون و پالمز، ۱۳۹۹: ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰ و ۱۰۶).

یکی از چالش‌های نهادهای کلینیک‌های حقوقی که ممکن است ایجاد و تداوم فعالیت این نهاد را با مشکلاتی مواجه کند، توجیه کردن کانون‌های وکلای دادگستری در مورد این نکته است که کلینیک‌ها رقیب کانون‌های فوق محسوب نمی‌شوند (Krasnicka, 2008: 51). این در حالی است که کلینیک‌ها به نوعی همکار کانون‌های وکلا در زمینه ارائه خدمات حقوقی رایگان به اشخاص فاقد توانایی مالی و اقشار آسیب‌پذیر هستند. گرچه از نظر برخی وکلا، ارائه خدمات حقوقی رایگان ممکن است بازار فعالیت‌های حرفه‌ای آن‌ها را کساد کند، اما با اتخاذ رویکرد کلان‌نگر و جامع و با در نظر داشتن سایر اصول و ارزش‌های بنیادین و با پرهیز از رویکرد صنف‌گرایانه، می‌توان شاهد ایجاد، رشد و بالندگی کلینیک‌های حقوقی بود.

در یک پژوهش انجام‌شده در خصوص کلینیک‌های حقوقی، سه چالش مهم نهاد مذکور به شرح زیر بیان شده است: تأمین منابع مالی (به دلیل اینکه اکثر دانشکده‌های حقوق به تنهایی از عهده تأمین مخارج کلینیک‌ها بر نمی‌آیند)، مشکلات مربوط به تأمین نیروی انسانی (کمبود اساتید و دانشجویان علاقه‌مند به کار در کلینیک‌های حقوقی) و مشکلات و موانع قانونی پیش‌رو (از جهت عدم حمایت و نبود مشوق‌های لازم (Aksamovic, & Genty, 2014: 434)).

به منظور حصول اطمینان از کسب نتایج مورد انتظار از ایجاد کلینیک‌ها، پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای ارزیابی کیفیت مشاوره‌های حقوقی قابل ارائه در کلینیک‌های حقوقی ضرورت دارد (Kemp et al, 2016: 53).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، طیف چالش‌های پیش‌روی کلینیک‌ها، متنوع و به لحاظ کمی نیز متعدد است، اما در نهایت باید اذعان نمود به لحاظ اهمیت بیشتر، حل چالش مربوط به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی از اولویت بالاتری برخوردار است. سایر چالش‌ها با اتخاذ تدابیر مدیریتی و آموزشی، تا حدودی قابل رفع است، لکن در صورت عدم تأمین منابع مالی کافی در اختیار کلینیک‌ها، در عمل نهاد مذکور ایجاد نخواهد شد یا به شکل تضعیف‌شده‌ای ایجاد می‌گردد و النهایه تداوم حیات نخواهد داشت.

#### ۴. فرایندها و الزامات حقوقی و فراحقوقی

##### ۴-۱. فرایند ایجاد

به لحاظ فرایندی مراحل ایجاد کلینیک حقوقی دانشگاهی به شرح زیر قابل ذکر است: تشکیل کارگروه راهبردی و سیاست‌گذاری غیررسمی برای ایجاد کلینیک، تعیین اهداف اصلی و فرعی

کلینیک، انتخاب الگوی متناسب با اهداف، ترسیم ساختار مدیریتی و اداری کلینیک، تهیه بودجه و پیش‌بینی منابع مالی لازم برای اداره کلینیک، تعیین موقعیت فیزیکی کلینیک و طراحی و ساماندهی امور اداری و مالی کلینیک (جان مک‌کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

بی‌تردید شرط نخست ایجاد کلینیک حقوقی در دانشگاه، وجود وفاق جمعی میان اعضای هیئت علمی دانشکده حقوق است. شرط دوم نیز انجام حمایت‌های مقتضی توسط مدیران دانشگاه جهت فراهم کردن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم از جمله اختصاص محیط فیزیکی مناسب و در دسترس عموم برای کلینیک، تدارک امکانات اداری لازم جهت فعالیت کلینیک‌ها، ارائه مشوق‌های لازم برای اعضای دانشکده جهت فعالیت در کلینیک با هدف تضمین عملکرد مطلوب و مستمر آن در گذر زمان و... می‌باشد.

با توجه به عدم سابقه فعالیت کلینیک حقوقی و فعالیت‌های مشابه این نهاد در دانشگاه‌ها به‌منظور شروع مباحث مربوط به ایجاد کلینیک به نظر می‌رسد طی گام‌های زیر ضروری است: طرح موضوع در دانشکده و اخذ نظرات اعضای هیئت علمی، تکمیل طرح پیشنهادی بر اساس نظرات اعضا و انجام مطالعات و بررسی‌های تکمیلی جهت ارائه پیشنهاد موضوع به مقامات دانشگاه، تهیه پیش‌نویس مصوبه هیئت امنای دانشگاه مبنی بر موافقت اولیه با ایجاد کلینیک حقوقی دانشگاه (ذیل دانشکده حقوق) بر اساس طرح پیشنهادی ارائه‌شده به هیئت امنای به‌صورت موقت (یک ساله) و ارائه گزارش عملکرد کلینیک مذکور به هیئت امنای جهت تصمیم‌گیری در خصوص نحوه ادامه فعالیت آن ظرف یک سال پس از ایجاد و شروع به کار آن، شروع فعالیت بر اساس مصوبه هیئت امنای با همکاری اعضای هیئت علمی دانشکده حقوق و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تثبیت جایگاه کلینیک با اخذ موافقت قطعی هیئت امنای.

#### ۲-۴. الزامات حقوقی

حسب بررسی انجام‌شده، جز آنچه در مورد تکلیف وزارت دادگستری در خصوص ایجاد کلینیک حقوق کودک بیان شد، ظاهراً تاکنون سند حقوقی خاصی در مورد ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی به تصویب مراجع مربوط (مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، وزارت عتف) نرسیده است. با وجود این، مسائل حقوقی در خصوص ایجاد و فعالیت آن‌ها وجود دارد که باید به‌نحو مقتضی مورد توجه قرار گیرد. با بررسی انجام‌شده، در عمل به استناد ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۵) مجوز ایجاد کلینیک حقوقی توسط هیئت امنای دانشگاه ذی‌ربط صادر می‌شود. البته این امر نافی اخذ مجوز سایر مراجع ذی‌صلاح (نظیر کانون وکلای دادگستری، در صورت ارائه خدمات حقوقی وکالتی توسط کلینیک) و نیز ثبت کلینیک در اداره کل

ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری (ذیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) در صورت برخورداری کلینیک از شخصیت حقوقی مستقل نمی‌باشد.

موارد فوق بر اساس عموماً مندرج در قوانین و مقررات مربوط بیان شد، لکن ضرورت دارد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضوابط مربوط به ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی را برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تعیین و ابلاغ نماید.

### ۳-۴. الزامات آموزشی

از جمله الزامات آموزشی فعالیت کلینیک‌های حقوقی این است که آموزش کلینیکی حقوق باید بخشی از واحدهای آموزشی (برنامه درسی) دانشجویان رشته حقوق را تشکیل دهد که دارای نمره و اعتبار آموزشی است. به این ترتیب، فعالیت واقعی و مؤثر کلینیک‌های حقوقی مستلزم تغییر برنامه آموزشی رشته حقوق می‌باشد. البته کلینیک حقوقی جایگزین هیچ واحد درسی نمی‌شود که به صورت طرح درس (عمدتاً ارائه بحث استاد در کلاس دانشگاه) یا بررسی پرونده‌های حقوقی ارائه می‌شود، بلکه مدل غنی و متنوعی از آموزش حقوق را به واحدهای درسی دانشگاه اضافه می‌کند. بدین ترتیب، بازنگری در سرفصل دروس دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی رشته حقوق، به منظور درج درس عملی آموزش کلینیکی حقوق (ابتدا به عنوان واحد اختیاری و سپس به عنوان واحد اجباری) ضرورت دارد.

### ۴-۴. الزامات مدیریتی

پروفسور ریچارد جی ویلسون (پروفسور حقوق)<sup>۱</sup> طراح کلینیک‌های حقوقی و آموزش کلینیکی حقوق و استاد دانشکده حقوق در زمینه کلینیک‌های حقوقی در ایالات متحده آمریکا، گام‌های کاربردی برای سازماندهی کلینیک حقوقی را تبیین کرده که از جمله به شرح زیر است: شناسایی کارکنان و دانشجویان مناسب برای فعالیت در کلینیک حقوقی،<sup>۲</sup> انتخاب حوزه فعالیت کلینیک،<sup>۳</sup>

1. <http://nadiri.blogfa.com/post/10>

۲. کلینیک شبیه بخش‌های دیگر آموزش حقوق نیست. در واقع کلینیک دستاورد تأسیس یک مؤسسه حقوقی داخل دانشکده حقوق است. استادی که در کلینیک تدریس می‌کند باید هم بر پرونده‌های مطروحه در کلینیک نظارت داشته باشد و هم در کلاس به دانشجویان، واحد درسی مربوط را ارائه کند. البته ممکن است کلینیک حتی انجام این امور را از دانشجویان مطالبه کند.

۳. این مسئله، انتخابی است که از شرایط محلی که کلینیک در آن واقع شده است بر می‌خیزد. آیا کلینیک همان گونه که معمولاً گرایش به آن وجود دارد فقط درگیر دادخواهی و منازعه می‌شود؟ یا اینکه در سایر حوزه‌های فعالیت حقوقی مثل قانون‌گذاری یا سایر زمینه‌های مرتبط با فعالیت‌های ترویجی در خط‌مشی و سیاست حقوقی و توسعه درازمدت محلی، فعالیت خواهد کرد؟

ایجاد نظام مشارکت دانشجویان و قبول دعاوی،<sup>۱</sup> ایجاد منابع موثق و قابل اعتماد مالی و بودجه‌ای برای کلینیک،<sup>۲</sup> برقراری روابط مداوم با جامعه حقوقی خارج از دانشکده حقوق<sup>۳</sup> و فراهم کردن پیشبرد دعاوی به‌عنوان یک مؤسسه فعال در امر وکالت داخل دانشکده حقوق.<sup>۴</sup>

به‌لحاظ ساختاری ممکن است کلینیک‌های حقوقی به صورت‌های زیر ایجاد شوند: ایجاد به‌عنوان گروه‌های بررسی دانشجویان، ایجاد به‌عنوان یک واحد سازمانی در دانشکده حقوق، ایجاد به‌عنوان یک انجمن یا بنیاد و یا شکل ترکیبی. وابستگی ساختاری کلینیک به دانشکده حقوق گرچه

۱. زمانی که کلینیک به تازگی در دانشکده حقوق شروع به کار می‌کند، دانشجویان ممکن است نسبت به این مسئله که چقدر کلینیک می‌تواند برای آن‌ها مفید باشد تردید داشته باشند. بنابراین دانشجویان باید درباره ارزش آموزش‌های کلینیکی متقاعد شوند؛ مگر اینکه شرکت در آموزش‌های کلینیکی مطابق آیین‌نامه آموزشی دانشگاه، اجباری باشد. قبول دعاوی موضوع مهم دیگری است. اگر از مراجعه‌کنندگان انتظار داریم که به دانشکده حقوق یا کلینیک مراجعه کنند، باید آن‌ها را از میزان و نحوه در دسترس بودن خدمات کلینیک حقوقی مطلع سازیم. فرآیند آگاه‌سازی درباره کلینیک شامل انتشار آثار تبلیغاتی و استفاده از سایر رسانه‌های محلی برای اطلاع‌رسانی درخصوص چگونگی دسترسی به کلینیک و خدمات آن می‌شود.

۲. این مرحله برای بسیاری از افراد به عنوان اولین و مهم‌ترین گام شمرده می‌شود. هدف طولانی‌مدت درخصوص ایجاد منابع موثق، این است که دانشکده حقوق خود منابع مالی پایدار و مستمری را جهت اختصاص به آموزش کلینیکی حقوق به عنوان مولفه کلیدی برنامه آموزشی خود فراهم سازد.

۳. برای اینکه یک کلینیک به صورت مؤثر به بهره‌برداری برسد باید روابط قدرتمندی در جامعه حقوقی خارج از دانشکده داشته باشد. گستره این روابط شامل کانون وکلای دادگستری، قضات و سایر کارکنان دادگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی که خدماتی را در زمینه مشابه فعالیت کلینیک ارائه می‌کنند، سازمان‌های غیردولتی و همچنین سایر دانشکده‌های حقوق می‌شود. برای ارائه خدمات حقوقی به صورت شایسته، کلینیک حقوقی باید دارای ابزار جامع و فراگیری برای به‌روز نگاه‌داشتن اساتید و دانشجویان خود باشد تا آنها از توسعه دانش روز در زمینه حقوق و مؤسسات حقوقی مطلع شوند. این ابزار شامل انتشارات و آموزش حقوقی مستمر از طریق ارائه کنفرانس، استفاده از اینترنت و سایر روش‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی است.

۴. کلینیک به فضا و تجهیزاتی نیاز دارد تا مطمئن شود مراجعه‌کنندگان به کلینیک دسترسی دارند، حریم خصوصی آن‌ها حفظ می‌شود و همچنین امنیت دفتر و وسایل و تجهیزات متعلق به کارکنان پاسداری می‌گردد، کتابخانه و دسترسی به اینترنت برای کاربرد تخصصی اطلاعات، منابع و مستندسازی توسط دانشجویان، تلفن، تدارکات و تجهیزات دفتر و امکانات مربوط به کپی، فرم‌ها، مدارک و بیانیه رسمی مأموریت کلینیک، فایل‌ها و امکانات مربوط به حفظ امنیت فایل‌ها جهت پاسداری از اصل محرمانه بودن اطلاعات، سازوکار و سیستمی که مسئله تعارض در منافع را میان موکلین، دانشجویان و کارمندان بررسی کند. وجود کارشناسان و اعضای هیئت علمی که دارای دانش نظری و اجرایی می‌باشند و نیز کارشناسان متخصص که بشود از دانش و تجربه آن‌ها به عنوان منابع انسانی در ارائه خدمات کلینیک استفاده کرد.



می‌تواند برخی مشکلات بودجه‌ای کلینیک را مرتفع کند اما ممکن است محدودیت‌هایی را به جهت عدم امکان جلب حمایت به‌عنوان یک نهاد دولتی، دربرداشته باشد (Zielinska et al, 2005: 52,83). به‌رغم اینکه گفته می‌شود تجربه کلینیک‌های حقوقی در برخی کشورها همچون لهستان کاملاً موفق بوده است، به دلیل باقی ماندن مشکلات مالی پیشنهاد شده است کلینیک حقوقی جزئی از ساختار دانشگاه باشد و بودجه آن جزئی از بودجه دانشگاه به حساب آید (Krasnicka, 2008: 55-56).

هزینه‌های کلینیک‌های حقوقی، متعدد و به لحاظ میزان، قابل توجه است و از جمله شامل موارد زیر می‌شود: پرداخت‌های پرسنلی (به اساتید راهنما و کارشناسان حقوقی و اداری)، اجاره محل (دفتر) کلینیک، هزینه تجهیزات و لوازم سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و اداری، هزینه قبوض و سایر هزینه‌ها (نظیر هزینه سفر، بیمه مسئولیت مدنی و غیره) (Zielinska et al, 2005: 84).

یکی از نکات بسیار مهم و قابل توجه، این است که ماهیت غیرانتفاعی و انجام کار داوطلبانه توسط برخی یا عمده اشخاص فعال در کلینیک‌های حقوقی، جایگزینی برای تأمین مالی کلینیک‌های مذکور محسوب نمی‌شود (Jelinic, 2017: 108)؛ زیرا هزینه‌های پرسنلی تنها بخشی از هزینه‌های متعدد نهادهای یادشده است. ضمن اینکه تداوم حیات نهادهای فوق بدون پیش‌بینی و تدارک منابع مالی مستمر و پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود. با وجود این، تمهیدات لازم برای جلب همکاری داوطلبان واجد شرایط جهت ارائه خدمات حقوقی، استفاده از امکانات دستگاه‌های دولتی برای کاستن از هزینه‌های کلینیک و متقاعد کردن اشخاص نیکوکار جهت رفع برخی از نیازهای نهادهای مذکور، ضرورت حتمی است.

در آمریکا به‌عنوان مهد شکل‌گیری ایده کلینیک‌های حقوقی، بر اساس گزارش سال‌های ۲-۱۹۹۱ میلادی بیش از ۶۸ درصد بودجه کلینیک‌ها را دانشگاه مربوط تأمین کرده است. همچنین حدود ۱۷ درصد بودجه مذکور نیز از محل سایر منابع دولتی تأمین گردیده است (Wilson, 2018: 280). توسعه سریع ایجاد کلینیک‌های حقوقی در افریقای جنوبی با تأمین مالی کلینیک‌های مذکور توسط بنیادهایی نظیر بنیاد فورد<sup>۱</sup> و برادران راکفلر<sup>۲</sup> صورت گرفته است (Zielinska et al, 2005: 47).

مهم‌ترین روش‌های تأمین منابع مالی مورد نیاز کلینیک‌ها به شرح زیر است: دانشگاه (مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی کلینیک‌ها)، مؤسسات عمومی (نظیر وزارت دادگستری و وزارت آموزش عالی و آمبودزمان)، نهادهای غیردولتی (نظیر بنیادهای حقوقی و خیریه و شرکت‌های تجاری همچون شرکت‌های انتشاراتی در رشته حقوق و تولیدکنندگان نرم‌افزارهای حقوقی) و مؤسسات حقوقی. طیف

1. Ford Foundation  
2. Rockefeller Brothers Foundation

کمک‌ها نیز از کمک نقدی تا در اختیار قرار دادن وکیل، منابع کتابخانه‌ای، محل کار، تأمین پرسنل اداری، تأمین کتابخانه و... را دربر می‌گیرد (Zielinska et al, 2005: 85-87).

بی‌تردید یکی از الزامات پیشینی فعالیت کلینیک‌ها، تنظیم کد رفتار حرفه‌ای است. کد مذکور قواعد رفتاری است که باید توسط اعضای کلینیک در تعامل با موکلان، مراجعه‌کنندگان و اشخاص مرتبط با دادگستری رعایت شوند. چهارچوب منشور اخلاقی دانشجویان در کلینیک‌های حقوقی متشکل از اصول زیر است: احترام به استقلال موکلان، احسان و نیکوکاری، اطمینان از عدم ورود زیان و اطمینان از اجرای عدالت. عدم دریافت هزینه از موکلان توسط دانشجویان، عدم ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی با موکلان، رعایت رازداری و رعایت مقررات کلینیک در برقراری ارتباط‌ها از دیگر مقررات و ضوابط رفتاری در کلینیک‌ها است (جان مک‌کوئید میسون و پالمر، ۱۳۹۹: ۲۵۴، ۲۵۷ و ۲۶۳).

گفتنی است کسب و متعاقباً حفظ اعتماد مراجعه‌کنندگان (موکلان) و رعایت ملاحظات محرمانگی، لازمه موفقیت کلینیک‌ها است؛ امری که معمولاً مراجعه به آن‌ها را با چالش مواجه می‌کند (Armiro, 2019: 151). یکی از عواملی که ممکن است مراجعه به کلینیک‌ها را با استقبال سرد عموم مردم مواجه کند، رابطه مبتنی بر اعتماد است که میان موکل و وکیل وی شکل می‌گیرد. این ملاحظه باید در تنظیم روش‌های انجام کار در کلینیک‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ به نحوی که مراجعه‌کنندگان بتوانند با آسودگی خاطر اطلاعات شخصی خود را در اختیار مشاوران کلینیک قرار دهند.

در نهایت اینکه برای تعدیل تعداد مراجعات به نهادهای مذکور، کلینیک‌های حقوقی دانشجویی در لهستان شرط دریافت خدمات کلینیکی را ارائه دلیلی مبنی بر اعسار مراجعه‌کننده اعلام کرده‌اند و نیز اعلام مکتوب اینکه وکالت وی را هیچ وکیلی برعهده ندارد و قواعد ارائه خدمات معاضدتی را قبول می‌نماید (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۲).

### نتیجه

ایجاد کلینیک‌های حقوقی دانشجویی به تدریج تبدیل به یک ضرورت خواهد شد که دیر یا زود هم به لحاظ کارکرد آموزشی و هم خدماتی آن‌ها، مورد عنایت سیاست‌گذاران نظام آموزشی کشورهای مختلف قرار خواهد گرفت؛ همان طور که در حال حاضر نیز در تعداد قابل توجهی از کشورها (با تنوع در نوع نظام حقوقی، اقتصادی و سیاسی) نهاد مذکور ایجاد شده است. ایجاد این قبیل نهادها که در میان مدت می‌تواند کارکردهای ارائه خدمات تخصصی حقوقی (فرا تر از ارائه مشاوره حقوقی رایگان) را نیز عهده‌دار شوند، افزون بر اینکه یکی از راهکارهای برقراری و توسعه ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت (حسب مورد) است، می‌تواند در راستای گذار به دانشگاه نسل

سوم نیز مفید و مؤثر واقع شود.

یکی از چالش‌های فعلی نظام آموزشی حقوق که آسیب‌های آن به نظام قضایی و نظام اداری نیز سرایت کرده است، عدم مهارت عملی کافی دانش‌آموختگان رشته حقوق است؛ امری که موجب شده نهادهای ذی‌ربط برای جبران آن دوره‌های کارآموزی یا عناوین مشابه را تدارک ببینند؛ نظیر کارآموزی وکالت، کارآموزی قضاوت. این امر بر ضرورت رفع خلأ فراگیری مهارت در نظام آموزش آکادمیک حقوق تأکید دارد.

در وضعیت حاضر ضوابط خاصی در مورد ایجاد و فعالیت کلینیک‌های حقوقی در دانشکده‌های حقوق در ایران تهیه و تدوین نشده است. با عنایت به مرجعیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در زمینه مقررات‌گذاری راجع به امور آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، اقتضا دارد ضوابط مذکور به‌نحو مناسب تدوین و به کلیه دانشگاه‌ها ابلاغ شود. در وضعیت فعلی، آموزش کلینیکی حقوق وارد نظام آموزشی حقوق در ایران نشده و به‌طور کلی، توجه چندانی به فراگیری مهارت عملی دانشجویان نشده است.

در گام نخست ضرورت دارد دو واحد اختیاری برای دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی و کارشناسی‌ارشد حقوق با عنوان آموزش کلینیک حقوقی طراحی و اجرا شود. البته این امر مستلزم تهیه درسنامه آموزشی لازم برای دانشجویان و توجیه اساتید و دانشجویان در خصوص کارکردهای مورد انتظار از طراحی دروس مذکور است. افزون بر این، ایجاد تمایل برای دو گروه مزبور مستلزم طراحی بسته‌های تشویقی برای دانشجویان و اساتید فعال در کلینیک‌ها است.

باری، با عنایت به نوپدید بودن کلینیک‌های حقوقی، هر گونه اقدام جهت ایجاد آن باید با عنایت لازم به اقتضانات و الزامات پیشینی ایجاد نهاد مذکور از حیث مالی، اداری، آموزشی و فرهنگی باشد. از میان موارد فوق، اهمیت روش‌های تأمین منابع مالی پایدار مورد نیاز برای ایجاد و تداوم فعالیت کلینیک‌های حقوقی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. گرچه ضرورت دارد اهتمام لازم برای جلب مشارکت داوطلبان واجد شرایط جهت همکاری با کلینیک و اخذ کمک‌ها و تسهیلات مراجع دولتی و غیردولتی (اعم از داخلی و بین‌المللی) صورت پذیرد.

بی‌تردید، دانشگاه‌های ایران در وضعیت فعلی به تنهایی از عهده تأمین بار مالی ناشی از ایجاد کلینیک‌های حقوقی برنمی‌آیند. استفاده از اعتبارات سایر دستگاه‌های دولتی که ناظر بر آموزش حقوق برای اقشار خاص می‌باشد (همچون وزارت دادگستری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (سازمان بهزیستی کشور) و وزارت آموزش و پرورش) و تدارک روش‌ها و برنامه‌های لازم برای جذب کمک‌های مالی سایر نهادها و اشخاص (به‌خصوص نهادهای بین‌المللی که به‌طور خاص در زمینه

دسترسی به خدمات حقوقی، دارای مأموریت هستند)، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ ضمن اینکه ایده توسعه فعالیت کلینیک‌ها (به اموری فراتر از ارائه مشاوره حقوقی به اقشار نیازمند، البته ضمن حفظ این کارکرد) می‌تواند در تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌های این نهاد در بلندمدت کارساز باشد. با وجود این در مراحل اولیه ایجاد کلینیک‌های حقوقی، سطح فعالیت‌های آن‌ها قاعداً باید محدود به ارائه مشاوره شفاهی و در صورت امکان، ارائه مشاوره مکتوب حقوقی باشد و توسعه فعالیت‌ها بر اساس برنامه زمانی از قبل تعیین شده و با حصول اطمینان از وجود الزامات مربوط به هر مرحله صورت پذیرد.

## منابع

### فارسی

- جان مک‌کونید میسون، دیوید و روبین پالمر (۱۳۹۹)، راهنمای کارکنان کلینیک‌های حقوقی (مورد: کلینیک‌های حقوقی آفریقایی)، ترجمه عبدالله تقدسی، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- حبیبی‌درگاه، بهنام (۱۳۹۹)، «مفهوم اصل دسترسی رایگان به دادگستری»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹.
- خسروی، احمد و حامد نوروزی (۱۳۹۹)، «حق بر فهم قانون»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۴، شماره ۱۱۱.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۹۳)، *راهنمای مرجع تقویت و سلامت و توانمندی قضایی*، ترجمه حسن وکیلان، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

### انگلیسی

- Aksamovic, D. & Genty, P. (2014), "An Examination of the Challenges, Successes and Setbacks for Clinical Law Education in Eastern Europe", *International Journal of Clinical Law Education*, Issue 19.
- Armiro, A. (2019), "Clinical Legal Education: Vision and Strategy for Start-up Clinics in Nigeria", *International Journal of Clinical Legal Education*.
- Bradway, J. (1931), "The Legal Aid Clinic: A Means of Building Tough Mental Fiber", *Southern California Law Review*.
- European Union (2008), *Legal Clinic Report*, Vienna.
- Fahy, R. & van Echoud (2015), *Establishing a Start-up Law Clinic in Law School- A Practical Guide*, Institute for Information Law, University of Amsterdam – report
- Jelinic, Z. (2017), "Legal Clinics and Access to Justice in Croatia: Perspectives and Challenges", *Asian Journal of Legal Education*, Sage Publication.
- Kemp, V. & Munk, T & Gower, S. (2016), *Clinical Education and Experiential Learning: Looking to the Future*, Report commissioned by The University of Manchester.
- Kivalov, S. (2019), "Legal Clinic as an Important Element of Human Right for Free Legal Aid", *Revista de Derecho*, Vol. 8.
- Koci, A., "Clinical Education, The Lesson Learned from Practical Applications", *International Scientific Journal*.
- Krasnicka, I. (2008), "Legal Education and Clinical Law Education in Poland", *Journal of Clinical Legal Education*.
- Lewis, R. (2000), "Clinical Legal Education Revisited", *SSRN Electronic Journal*.
- Open Society Justice Initiative (2009), *Legal Clinics-Serving People, Improving Justice*.
- Plessis, M. (2015), "Clinical Legal Education Models: Recommended Assessment Regimes", *PER/ PELJ*, V. 18, No 7.
- UNODC (2019), *Handbook on Ensuring Quality of Legal Aid Services in Criminal Justice Processes- Practical Guidance and Promising Practices*, Vienna: United Nations.
- Wilson, R. (2018), "Legal Aid and Clinical Legal Education in Europe and the USA:

Are They Compatible”, Issue 11.

- Zielinska, E, et al (2005), **The Legal Clinic- The Idea, Organization, Methodology**, The Legal Clinic Foundation, Warsaw, Poland.